

بنیاده حکمه

مقدمه 13

مرحله اولی: کلیات مباحث وجود

مشهور حکما ماهیت علاوه بر اینکه در خارج موجود است و اثر بر آن مترتب می شود (وجود خارجی) وجودی در ذهن دارد که اثر بر آن مترتب نمی شود که به آن وجود ذهنی گویند  
مثلا انسان موجود در خارج جوهر است و جسم دارد و دارای نفس نباتی و حیوانی و انسانی است که آثار این اجناس و فصول و خواص بر آن مترتب می شود و همین انسان با همین ویژگی ها و حدود در ذهن موجود است ولی آثار بر آن مترتب نمی شود

مرحله دوم: وجود خارجی و ذهنی

اشکالات به اینکه ماهیات بافلسفا در ذهن موجود می شوند

اشکال اول: اگر خود ماهیات وارد ذهن می شود پس باید جوهری که در ذهن می آید هم جوهر باشد (زیرا دانش حفظ شده است) و هم عرض (کیف نفسانی است) که محال است

اشکال دوم: لازمه این حرف این است که ماهیت ذهنی هم مندرج تحت مقوله کیف باشد و هم تحت مقوله مثلا جوهر در حالیکه مقولات متناهی بافانند پس تناقضی در ذات پیش می آید  
و همچنین اگر شیء مثلا کیف محسوس باشد اندراج شیء واحد تحت دو نوع متناهی از یک مقوله می شود که محال است

گفته شده است که این اشکال از اشکال اول سختتر است زیرا می توان گفت جوهر به یک معنا عرض است زیرا خارجی بودن در موضوع جوهر اخذ شده است ولی دخول تحت دو مقوله قابل توجیه نیست

با توجه به این اشکالات بودن ماهیت به نفسها در ذهن را پذیرفته اند

بعضی گفته اند که اصلا وجود ذهنی نداریم بلکه علم اضافه نفس به خارج است پس معلوم فقط تحت مقوله خارجی است

بعضی گفته اند که شیخ موجود خارجی در ذهن است نه خودش پس دو چیز داریم که دو مقوله متفاوت دارند

وقتی ماهیت به ذهن می آید دو چیز در ذهن داریم یکی معلوم که همان ماهیت خارجی در ذهن است با همان مقوله خودش (مثل جوهر) و یکی علم که صفت حاصل در نفس است و طرد جیل از ما و قائم به نفس ماست مثل نسبت شیء به مکان و زمان  
پس اشکال اندراج تحت دو مقوله با دو نوع از یک مقوله حل شد

رذیه ما وجدانا هنگام علم به یک شیء دو شیء در نفسمان نمی یابیم بلکه همان صورت حاصله در ذهن همان طرد جیل از ما می کند و وصف برای ما می شود

صورت حاصله در ذهن از ماهیت خارجی (که اصل است) کنده و در ذهن منتقل به کیف می شود  
توضیح ماهیت در عدمستان که نمی روید پس وجود خارجی ماهیت با وجود ذهنی دوناست پس وقتی وجود دوتا شد عیبی ندارد که ماهیت هم دوتا شود ولی عقل یک ماده مشترک (تصویر سهیم) بین این دو تصویر می کند که ممسج یکی بودن دو ماهیت است

رذیه اولایا بنابر امساله المعایه این تبیین بی معاسلت و ثابثا شما قائل به تباین ذاتی بین ماهیت خارجی و ذهنی شدید که لازمه اش همان سفسطه است

ما در ذهن یک شیء بیشتر نداریم و آن هم همان صورت ۳. ذهنیه (معلوم بالذات) است با همان مقوله خودش و اینکه می گویند کیف نفسانی مسامحه در تعبیر است (یعنی منظور وصف بودن برای غیر است)  
و همچنین اشکال اول (شیء واحد جوهر و عرض باشد) هم گفته شد که هردو به یک معنا عرض اند

رذیه اولایا بحث لفظی و سر صدق مقوله نیست بلکه بحث سر اندراج تحت مقوله است یعنی صرف صدق مقوله بر یک شیء دلیل بر اندراج آن شیء تحت آن مقوله نیست بلکه ملاک اندراج ترتب آثار خارجی است  
ثابثا: فلاسفه تصریح دارند که مرادشان از کیف حقیقی است نه تسلمی

صدر المتألهین: حمل اولی موجب اندراج تحت مقوله نیست. بلکه حمل شایع موجب اندراج است زیرا ملاک اندراج ترتب آثار خارجی است  
فذاست که مجرد صدق یک مفهوم، موجب مصداق بودن آن مفهوم برای خودش نیست

بررسی اشکالات دیگر 10

مرحله سوم: وجود فی نفسه و فی غیره 16

مرحله چهارم: مواد ثلاث 97

مرحله پنجم: ماهیت و احکام آن 62

مرحله ششم: مقولات عشر 100

مرحله هفتم: علت و معلول 100

مرحله هشتم: واحد و کثیر 100

مرحله نهم: تسبیق و لاحق و قدم و حدوث 97

مرحله دهم: قوه و فعل 100

مرحله یازدهم: علم و عالم و معلوم 100

مرحله دوازدهم: ما يتعلق بالواجب تعالی 100

ارتباط با استاد  
۰۹۱۵۰۰۲۹۵۲۹  
آدرس: کاتال در اینا  
@DARSHA